

بقلم آقای سعادت نوری

طوماس دکواینسی

دکواینسی کیست طوماس دکواینسی نویسنده معروف انگلستان که دست طبیعت یک دنیا قریحه و استعداد در اندام ضعیف وجنه کوچک او بودیت گذارده بود پس یکی از تجار انگلیسی است که دارای هشت فرزند بوده.

دکواینسی در پانزدهم اگست ۱۷۸۵ میلادی در منچستر قدم بعرصه ظهور گذارده و پدر او از حیث امور مالی و اعتبارات تجارتنی شهرت شایانی داشته و همواره عشق و علاقه خاصی به کتب ادبی نشان میداده است. مادر شاعر چنانچه از منظومه های وی استنباط میشود هوش و استعداد کافی داشته و به ادبیات، فوق العاده شایان و مایل بوده است.

دکواینسی در مدرسه دکواینسی در سال ۱۷۹۶ بمدرسه پات که در اواخر پدر و مادر وی بان محل انتقال یافته بودند وارد شده و در آنجا پس از کسب مقدمات انگلیسی به تحصیل لاتین اشتغال جست و بوسیله مطالعه کتب متفرقه سطح فکر خود را بالا برده و در مدت کمی بقسمی در ادبیات انگلیسی و لاتین پیشرفت کرد که محسود امائل و همگنان خود شده و همه نسبت بوی حسد ورزیدند.

آغاز مرحله عشق سال ۱۸۰۰ میلادی آغاز دوره ایستکه شاعر به اجتماع داخل شده و در این تاریخ بدعوت لارد و ستفورت که

یکی از دوستان و آشنایان همسن و سال وی بود بعزم ایرلند حرکت کرد. دکواینسی در این مسافرت که تازه در حدود پانزده سال از سنین عمر وی میگذشت بنا بآفته خود تجربیات زیادی آموخته و علاوه وارد زندگانی جدیدی شد باین معنی که درین راه در کشتی دختری زیبا چهره و خوش سیمانی را دیده باو نزد عشق باخت. دکواینسی چنانچه خود در طی منظومه های مختلفه اشاره میکند

مسافرت ایرلند و ملاقات آن فرشته جمال، فصل جدیدی در زندگانی وی ساز کرده و قسمی شیفته و فریفته حرکات و سکنات آن شاهد - بزمین میشود که برای همیشه نسبت به جنس لطیف با احترام و تجلیل خاصی نظر میکند.

دکوائسی درد نشگاه دکوائسی در دسامبر ۱۸۰۳ در دانشکده ورستر که از دانشکده های دانشگاه اکسفورد بود وارد شده و پنج

سال تحصیلات خود را ادامه داد و بالاخره هم مثل اکثر شعرای انگلستان بدون اخذ دانش نامه مدرسه را ترك كرد.

دکوائسی دردانشکده با کسی معاشرت نکرده و اکثر اوقات خود را بمطالعه میگذرانید و بنا بگفته خود وی در ظرف دو سال اول، سدرت صد کلمه از دهان او خارج شد ولی برخلاف بخواندن و نوشتن عشق و علاقه مفرطی داشت و نمیتوانست از هزینه های دیگر حتی از پول و لباس صرفه جوئی نموده و به تعداد کتب کتابخانه خود میفزود. دکوائسی از دانشجویان و استادان دانشکده زیاده تر وقت خود را صرف ادبیات لاتین و یونان کرده و از کسانی که بادیات انگلیسی پشت پازده بودند متأثر شده و میثقت منظومه های چاسر «۱» از حیث لطف کلام و عذوبت بیان و وفق با طبیعت بمراتب بر ایلیاد وادیسی «۲» امتیاز و ریحجان دارد.

اعتقاد باقیون در سال ۱۸۰۸ دکوائسی بدون اینکه از دریای بی پایان دانشگاه اکسفورد مر و ارید کرانه های بدست بیاورد خارج شده و در همان اوان بواسطه ابتلائی بدرد اعصاب ناگزیر به اقیون ملتجی گردیده و عاقبت مثل کلریج به آن سم مهلك معتاد شد و باینکه تریاک هیچگاه آنطوریکه

(۱) چاسر - اولین شاعر معروف انگلستان است که در ۱۳۴۰ میلادی متولد و ۱۴۰۰ وفات یافته است. از منظومه های مشهور وی، افسانه های کنتر بیری، است. برای اطلاع از شرح حالات و مطالعه آثار وی رجوع کنید به تاریخ ادبیات انگلیس تألیف شاعر توانا آقای صورتگر.

(۲) ایلیاد از منظومه های منسوب به همر شاعر معروف حماسی یونان است و یک قسمت از این منظومه چند سال قبل بوسیله دوست فاضل آقای محمود عرفان ترجمه و طبع و نشر شده است. ادیس نیز از آثار همین شاعر است که در حدود ۸۵۰ قبل از میلاد میزیسته است.

بشاعر برجسته معاصری مسلط بود به مشارالیه مستولی نگردیده ولی متجاوز از پنجاه سال دکواینسی این زهر کشنده راحتی گاهی بمقدار زیادی استعمال مینمود و جدی طرفدار و مدافع جدی تریاک شد که در بعضی از منظومه های خود بایک تسلط و زیر دستی تامی که در عین حال نفرت انگیز است از این بلای خانمانسوز تعریف و توصیف کرده است.

دکواینسی در گراسمر در نوامبر ۱۸۰۹ دکواینسی در گراسمر رحل اقامت افکنده و در همان محلی که وروزورث «۱» منزل داشت سکونت نموده و مدتی را تنها و چند سالی را نیز با همسر خود در آنجا بسر برده تا اینکه در سال ۱۸۳۰ بالاخره به اندنورج کوچ نمود. در زمان اقامت در گراسمر لاینقطع به مطالعه مشغول بود و از خرمین ادبیات انگلیسی خوشه چینی میگردد و ضمناً به تحصیل زبان آلمانی و مختصر تدقیق در کتب حکمای آن سرزمین اشتغال جست. دکواینسی باشعرای بزرگ معاصر خود امثال وروزورث و کلریج و سودی (۲) طرح آشنائی ریخته و در بادی امر بقدری نسبت به وروزورث ابراز علاقه مینمود که میتوان گفت مثل ت او را پرستش میکرده ولی متأسفانه در اواخر رشته محبت را گسیخته و مهر و وفاق تبدیل به جور و نفاق شد. دکواینسی - در گراسمر بقسمی مقهور تریاک شد که خود او میگوید وجود یک ضراحی معجون یا قوت رنگ آبیون و یکی دو جلد کتاب از حکمای آلمان در یک نقطه بهترین وسیله است که دوستان و آشنایان بودن مرا در آنجا قیاس کنند :

(۱) وروزورث یکی از بهترین و بزرگترین شعرای انگلیس است که در ۱۷۷۰ میلادی متولد و در ۱۸۵۰ درگذشت شرح حال و قسمت زیادی از آثار این شاعر را نویسنده این مظهر چند سال قبل بفارسی ترجمه نموده و در روزنامه احگر که بهمت فاضل دانشمند آقای امینی در اصفهان طبع میشود نشر و توزیع گردیده و یک قسمت نیز مستقلاً در پایان کتاب گلهای ارب بچاپ رسیده است.

(۲) سودی از شعراء و نویسندگان انگلیس است که در ۱۷۷۴ متولد و در ۱۸۴۳ وفات کرد و از ۱۸۱۳ بیعت سمت ملك الشعرائی دربار انگلستان داشته است از آثار معروف سودی شرح حال نلسن به ثر میباشد.

د کواينسى - اکثر از شاهکارهای جالب توجه و برجسته خود را در این ناحیه برشته نظم کشیده و در منظومه « یاد داشتهای ادبی » به بیشتر خاطرات ایام زندگی این حدود اشاره کرده است .

ترياک بقمى در رك و ريشه ابن شاعر نويسند نفوذ عترافات يكتفر ترياكى و تاثير كرد كه تدريجا تمام نيروى او را گرفته و پشت ز و علاقه و پرا سلب نموده و از همه بدتر آتش عشق و قريحه او را خاموش ساخت و با اين حال در ۱۸۲۱ داستان « اعترافات يك نفر ترياكى » را شروع نمود و تدريجا با مضای مستعار « دراندن مکزیره » طبع و نشر كرد . د کواينسى در این منظومه شرح زندگانی خود را با چگونگی ابتلای باقبون و اثرات این بلای خانمان بر افکن و کابوسهایی که در خواب و بیداری در واقع خماری با وحمله میکند بايك تسلط بی نظير تعريف و توصيف کرده است . این مقالات مسلسل هم از لحاظ سبك و اسلوب نگارش و هم بملاحظه ابتکار و ابداع مضامين توجه عامه را جلب نمود و نظر اکثر مديران جراید و مجلات مهم را بنویسنده آن معطوف ساخت . د کواينسى در این موقع یکصد و پنجاه مقاله برشته نگارش کشید که باستثنای یکی دوسه قسمت بقیه از تقایس ادبی بشمار میرود .

در سال ۱۸۲۴ مقاله ای راجع به گوته (۱) شاعر آلمانی نوشته و مندرجات کتاب « ویلهلم میستر » او را که کار لایل (۲) ترجمه کرده بود انتقاد نمود و علاوه مترجم را نیز بواسطه اشتباهات و اصطلاحات اسکاتلندی مورد توبیخ قرار داد

(۱) گوته (۱۸۳۲ - ۱۷۴۹) از شعراء و نویسندگان آلمان و از آثار معروف او « فاست » و « ورتز » است که این دومی بوسیله دوست دانشمند آقای نصرالله فلسفی بايك مقدمه مفصل در شرح حال وی بزبان فارسی ترجمه شده است .

(۲) کار لایل از بهتر نویسندگان انگلیس متولد در ۱۷۹۵ و متوفی در سال ۱۸۸۱ از آثار وی « فهرمانان » و « شورش فرانسه » و « زندگانی و نامه های کرمول » شهرت زیادی دارد . برای آگاهی از شرح حال وی رجوع کنید به خطابه سوئمنند جناب آقای حکمت وزیر معارف مندرجه در سال هفدهم اردفان .

رنج و مرارت دکواینسی در سال ۱۸۳ به ادنیورغ رفته و در آنجا متوطن گردیده و در محل مزبور متأفانه بایک سلسله ایلابی گوناگون مواجه دست بگریبان شد و پنج سال بعد همسر مهربان او مروراید که فوق العاده طرف مهر و محبت او بود دارقانی را وداع گفته و بسرای جاودانی شتافت. بعد از این حادثه المنك دکواینسی نیز که در اثر اعتیاد به افون قوایش ربه تحلیل گذارده بود دچار ناخوشی و نقاهت شده وضعف پیری و علت مزاج هریک از طرفی او را در فشار گذاشت ولی ممذلك داستانهای « استیلابی تاتار » و ژاندارك و « گاری چاپاری » و رساله های « بدیع و معانی بیان و « شیوه نگارش » در همین ایام بذخایر ادبی انگلیس افزوده شد.

دکواینسی و سبک نگارش او
دکواینسی در تزیق عبارات قدرت خاصی نشان داده افکار و احساسات خود را قالب بهترین کلمات و الفاظ ریخته و در نگارشات خود سعی کرده است حملاتی که تنظیم موده در موقع خواندن از تنافر اصوات عباری موده و مثل يك نوای دلکش موسیقی سامعه را نژاد بخشد و از همین جهت است که دکواینسی در ردیف نویسندگان بزرگ انگلیس قرار گرفته و بعضی از علاقمندان بادیات سبک تنوع نگارش ویرا به اسلوب کین و ما کولی ترجیح داده و داستان « گاری چاپاری » او را بمنزله شعر متثور میدانند.

دکواینسی - از تاریخ ادبیات انگلیس و لاتین و یونان و حکمت آلمان اطلاعات جامعی داشت و قبل از تبحر در قسمتهای فوق و مطالعه کتب مختلفه بیشمار رسامیچر که نویسدگی داخل نشد عشق و علاقه این نویسنده مطالعه کتاب از حد و سف خارج است و کتابخانه شخصی او متجاوز از پنجهزار جلد کتاب داشت و از همین لحاظ است که آثار او مشحون از یک شعبه دانستهها و حاکی از اطلاعات بسیط نویسنده میباشد.

پایان زودگی دکواینسی در هشتم دسامبر ۱۸۵۹ از آلام و مصائب ایام اخیر

زندگی خود خلاصی و آزادی جست و شاهد مرگ را باشوق در آغوش گرفت و گویند در دم مرگ سه مرتبه فریاد کرد «خوهر» به آرامی در گذشت و احتمال میدهند که در آن ساعت هونانک خوهر خود الیزابت را صدا میزد که هفتاد سال قبل فوت کرده بود و ایفک برای راهنمایی برادر خود بديار بقاء ببالین مرگ وی حاضر شده بود

بقلم : مرتضی مدرس چهارم

(تأثیر علمی و ادبی ایران در تازی)

(خطابه)

(۱)

عرب با خطابه سروکار دارد و در روزهای شادمانی و سوگواری و جنگها و پیشرفتها و تشکیل زندگانیهای تازه خطابه های شیوا و دلکش از آنان ایراد میشود . عرب دوستار خطابه است و خطابه در او خیلی میباشد . هر عربی را میتوان گفت در هنگام ضرورت خطابه های شیوا انشاء میکند . عرب با خطابه بدینیا آمده و با آن پرورش میشود . شبها و روزها نیاز به آن دارد و در اثر خطابه تشکیل خانواده ها و جمعیت های تازه داده و هر تازی دوست دارد که ناطق شده و بتواند گروه گروه مردم را از گفته های خود دگرگون سازد !!

تا آنجائیکه تاریخ گواهی میدهد خطابه در عرب تاثیرات زیادی داشته و دارد و خطبای عرب هر کدام در جهان خطابه دست و زبان (دمستن ناطق) مشهور یونان را بسته و بهترین شاهکارهای خطابه از آنان تراوش کرده که در صفحات تاریخ و ادب عرب ثبت میباشد .

تازیان با خطابه بیشتر از شعر و شاعری سروکار دارند و بلکه این نعمت خدادادی از روز نخست در آنان بوده و در بهترین زمانها آن را به کار انداخته اند از هزاران نفر تازی یک نفر پیدا میشود که گوی سبقت را در میدان خطابه برده